

بررسی تطبیقی تفاوت الگوی استنطاقی قرآن محور و استخراجی سوره محور بر اساس دیدگاه شهید صدر و مصطفی مسلم*

□ عمران خاتون**

□ علی فتحی***

□ محمد اسعدی****

چکیده

روش‌های تفسیر موضوعی دارای قلمرو متفاوت هستند؛ برخی روش تفسیر موضوعی را در جمع آوری آیات یا در به دست آوردن موضوع سوره‌ها محدود کرده‌اند و برخی روش تفسیر موضوعی را در کل قرآن و با هدف کشف نظریه‌های تفسیری می‌دانند. این نوشتار با رویکرد تحلیلی، درصدد تبیین روش تفسیر موضوعی استنطاقی قرآن محور و استخراجی سوره محور بر اساس دیدگاه شهید صدر و مصطفی مسلم است.

در بیان فرایند روش استنطاقی قرآن محور، ابتدا به بیان مراحل پرداخته شد؛ از جمله مراحل این روش: نیاز شناسایی موضوع و تعیین موضوع، بررسی تطبیقی ابعاد موضوع و طرح پرسش‌های اصلی، بررسی نظریه مکاتب بشری، بررسی نظریه تفسیری و در نهایت بررسی تطبیقی میان نظریه جامع و نظریه تفسیری انجام می‌شود، و در ادامه به بیان نمونه عملی از دیدگاه شهید صدر پرداخته شد.

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۵/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۱/۲۰.

** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی شهیده بنت‌الهدی (نویسنده مسئول)
(sughrafatima035@gmail.com).

*** عضو هیئت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (afathi@rihu.ac.ir).

**** عضو هیئت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

در ادامه به بیان فرایند روش استخراجی سوره محور پرداخته شد از جمله مراحل این روش: شناسایی و مشخص ساختن هدف اساسی سوره، قطعه بندی سوره‌های طولانی و بیان ربط میان قطعه‌ها در سوره و در ادامه به بیان نمونه عملی در سوره کهف پرداخته شد. در پایان به این نتیجه دست یافتیم: روش شهید صدر، روش مسأله محور جامع اجتهادی منتج به نظریه می‌باشد و مراحلی که شهید صدر به آن‌ها پرداخته است در تفسیر موضوعی استخراجی سوره محور قرار ندارد، بلکه در آن هدف بررسی موضوعات محوری و اساسی در یک سوره می‌باشد. کلیدواژه‌ها: تفسیر موضوعی، روش استنتاجی قرآن محور، روش استخراجی سوره محور، شهید صدر، مصطفی مسلم.

۱. مقدمه

تفسیر موضوعی قرآن یکی از روش‌های تفسیر قرآن است. تفاوت‌های بنیادی و اساسی بسیاری درباره ابعاد «تفسیر موضوعی» وجود دارد، که بیان کننده آن است، روش و الگوی مشترکی میان مفسران قرآن در تفسیر موضوعی وجود ندارد و این امر، افزون بر آن که دست یابی به «روش و الگوی تفسیر موضوعی» را دشوار می‌کند؛ نشان از اهمیت بحث شناخت و تحلیل روش و الگوی تفسیر موضوعی دارد.

بی تردید برای دست‌یابی به روش صحیح باید فرایند دو الگو که تأثیر اساسی و بنیادی در شناخت و تبیین روش تفسیر موضوعی دارد، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. از این‌رو، هرگونه تحلیل و تجزیه درباره هر دو روش، از یک سو و تحلیل و بررسی و داوری آن الگو و روش از سوی دیگر، وابسته به بررسی و مطالعه دقیق فرایند آن الگو و روش است. در این نوشتار، روش استنتاجی قرآن محور و استخراجی سوره محور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. تبیین موضوع

امروزه نیاز به استخراج و انتظام بخشیدن به نظریه‌های تفسیری درباره‌ی مسائل و موضوعات

مختلف بدیهی است و یکی از راه‌های تحقق آن؛ بررسی روش‌ها و الگوهای مختلف تفسیر موضوعی قرآن کریم است.

روش‌ها و الگوهای مختلفی در تفسیر موضوعی وجود دارد که برخی از آنان می‌توانند پاسخگوی مسائل مختلف نظریه‌های تفسیری باشند. در این میان الگوی تفسیر موضوعی شهید صدر^{علیه السلام} که بر نظریه‌پردازی و استنتاج از قرآن استوار است، می‌تواند در حل مسائل کارآمد باشد. روش استنتاجی قبل از شهید صدر به صورت برجسته و متمایز مطرح نبوده است؛ (محمدباقر صدر، ۱۴۰۱ق، ص ۱۹-۲۰) وی در دروس تفسیر موضوعی، که با عنوان «المدرسه القرآنیه» منتشر شده، روش استنتاجی قرآن محور خود را مطرح کرده است. از دیدگاه شهید صدر، ریشه‌های این روش به عصر نزول باز می‌گردد (صدر، ۱۴۰۱: ۴۹).

شهید صدر تفسیر موضوعی را نوعی کشف نظریه‌های قرآنی در قلمروهای مختلف زندگی اعتقادی و اجتماعی می‌داند و تنها این شیوه را تفسیر موضوعی می‌داند و موارد دیگر را پایین‌تر از سطح تفسیر موضوعی برشمرده است؛ آنچه شهید صدر تحت عنوان نظریه‌پردازی‌های قرآنی بر آن تأکید کرده است، یکی از مهم‌ترین نوع تفسیر موضوعی است. مصطفی مسلم از مفسران اهل سنت در کتاب «التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم»، روش و الگوی دیگری را در تفسیر موضوعی پیش گرفته است. این کتاب ۱۰ جلدی توسط سی نفر از استادان، زیر نظر استاد مصطفی مسلم، نگاشته شده است و در آن به تفسیر سوره‌های قرآن کریم بر اساس وحدت موضوعی سوره‌ها پرداخته و دیدگاه خود را به صورت عملی به اجرا در آورده است. وی در کتاب دیگر خود «مباحث فی التفسیر الموضوعی» مبانی و الگوی تفسیر موضوعی را بیان کرده است.

روش و الگوی تفسیر موضوعی شهید صدر، نظریه‌پردازانه است؛ و روش و الگوی جدیدی را ارائه کرده است؛ برخلاف مصطفی مسلم که روش و الگوی استخراجی سوره محور را برگزیده است، که در آن هدف تعیین موضوع یا موضوعات اساسی در یک سوره می‌باشد و در آن نظریه پردازی مورد نظر نیست.

وجود تفاوت میان روش‌ها و الگوهای مختلف تفسیر موضوعی ما را بر آن داشت تا به مطالعه و تحقیق و تحلیل دوروش و الگو از میان آن‌ها پرداخته و در نهایت به انتخاب یکی از دوروش و الگو یا ارائه الگوی جدیدی در عرصه تفسیر موضوعی دست یابیم.

۳. تاریخچه و پیشینه موضوع

هرچند پژوهش‌هایی در خصوص روش استنباطی شهید صدر و استخراجی سوره محور مصطفی مسلم انجام گرفته است، اما پژوهش مستقلی که شامل هر دوروش باشد و به صورت تطبیقی این دوروش را مورد بررسی قرار داده باشد، به چشم نمی‌خورد و تمرکز بحث‌ها غالباً تک بعدی بوده است.

در این مقاله دوروش تفسیر موضوعی مطرح است؛ روش استنباطی قرآن محور و روش استخراجی سوره محور (وحدت موضوعی سوره).

از جمله کتاب‌ها و مقالاتی که در مورد روش تفسیر موضوعی استنباطی تألیف شده است: *دراسة فی منهج السید محمدباقر الصدر فی فهم القرآن*، مؤلف احمد الارزقی؛ *التفسیر الموضوعی مقارنات بین السید الصدر و آخرین*، مؤلف خالد توفیق؛ *اطروحة التفسیر الموضوعی عند السید محمد باقر الصدر*، احمد عبدالله أبوزید؛ *تفسیر موضوعی از دیدگاه شهید صدر و آیت‌الله مصباح*، مؤلف محمدحسین ذوالفقاری؛ *تفسیر موضوعی قرآن از دیدگاه شهید صدر مؤلف غلامعلی عزیزی؛ التفسیر الموضوعی بین النظریه و التطبيق*، مؤلف عبدالفتاح الخالدي.

در مورد پیشینه‌ی روش استخراجی سوره محور می‌توان گفت: این نگرش در قرن هفتم هجری توسط فخررازی در «تفسیر مفاتیح الغیب» (۶۰۳ هـ) مطرح شده است. سیوطی در این مورد بیان می‌کند: «فخر رازی به اعجاز قرآن از جهت نظم و ترتیب آیات باور داشت» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱/۳۴۲).

در سال‌های اخیر تفسیرهای جدیدی بر مبنای هدف‌مندی سوره‌ها تألیف شده است که

مهم‌ترین آنها عبارت اند از: التحریر و التتویر، الالاساس فی التفسیر، تفسیر القرآن الکریم، من وحی القرآن، صفوه التفاسیر، تفسیر کاشف، من هدی القرآن، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه و المنهج، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، تفهیم القرآن، ایسر التفاسیر و التفسیر البنائی.

۴. مفهوم شناسی

۴-۱. روش استنطاقی قرآن محور

۱. روش: روش در لغت زبان عربی به معنای منهاج از «نهج» می‌باشد که، دارای دو معنای متباین (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۶۱/۵؛ ابن عباد، ۱۴۱۴: ۳۸۱/۳) است:

۱. طریق (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۶۱/۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۰۴/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۵). راه واضح (حمیری، ۱۴۲۰: ۱۰/۶۷۶۵؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۳۴۶/۱؛ ابن عباد، ۱۴۱۴: ۳۸۱/۳). و روشن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۳۸۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۳۹۲؛ ابن عباد، ۱۴۱۴: ۳۸۱/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۵؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ۳/۳۳۹). و مسلک (جوهری، ۱۴۱۰: ۱/۳۴۶). و برخی آن را طریق مستقیم نیز گفته‌اند (ابن اثیر، بی‌تا: ۵/۱۳۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۳۶۱).

به امر واضح و روشن، چه مادی یا معنوی، چه در راه یا برنامه یا جریان دیگر گفته می‌شود و از جمله مصادیق آن راه روشن و امر مشخص و برنامه واضح و جامع می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۲/۲۵) «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِثْجَاً» (مانده: ۴۸) برای هر یک از شما امت‌ها شریعت و طریقی واضح قرار دادیم. منهاج فقط یک بار در قرآن کریم آمده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۷/۱۱۵).

۲. نهج به معنای انقطاع، منقطع و ساقط شدن نیز آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۳۶۱). واژه‌ی «روش» در زبان لاتین معادل «متد» می‌باشد که از واژه‌ی یونانی «متا» به معنای «در طول» و «اودوس» یعنی «راه»، است؛ (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۴). همچنین به معنای در پیش گرفتن راهی برای نیل به هدف و مطلوب با نظم و توالی خاص است (کاظمی، ۱۳۷۴: ۲۸-۲۹). اصطلاح روش، هم به خود راه و هم به ابزارهای رسیدن به آن راه، اشاره دارد. در زبان

عربی، روش را «منهج» و روش‌شناسی را «منهجیه» می‌نامند (صدر، ۱۴۰۱: ۱۶؛ ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۴؛ سروش، ۱۳۷۲: ۱۶۵).

شهید صدر «منهج» را برای تفسیر جزئی‌نگر و موضوعی استعمال کرده است (صدر، ۱۴۰۱: ۲۰-۲۳، ۳۰-۴۷ و ۳۱۳). «منهج» معادل فارسی واژه روش است، اما شهید صدر معنای اصطلاحی منهج را بیان نکرده است، ولی از بیانات وی می‌توان به این نتیجه رسید که او «مجموعه‌ی عناصر معرفتی، قواعد، فرایندها و مهارت‌هایی که برای فهم قرآن به کار می‌رود» منهج می‌نامد (بهمنی، ۱۳۹۷: ۴۱).

روش در لغت به معنای راه، طریق و مسلک آمده است؛ روش در اصطلاح می‌تواند به معنای لغوی، یعنی دست‌یابی و پیدا کردن راه، طریق و مسلک باشد؛ هنگامی که گفته می‌شود، روش تفسیر موضوعی، یعنی راه‌هایی را که مفسر برای رسیدن به نتیجه نهایی تفسیر، می‌پیماید و مفسر برای پیمودن این راه از چه ابزار استفاده کرده است، تا به نتیجه نهایی رسیده است، معنای اصطلاحی با معنای لغوی خود هم سو می‌شود.

۲. استنطاق در لغت

استنطاق، از ریشه (نطق)، به معنای سخن گفتن (جوهری، ۱۴۱۰: ۴/۱۵۵۹). در مقابل «صمت» می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۵/۲۳۸). استنطاق، مصدر باب استفعال از «نطق» نیز به معنای درخواست نطق، (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳/۴۵۹؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۱۰/۶۶۴۹). به وسیله‌ی کلام یا غیر کلام می‌باشد (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳/۴۵۹؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۱۰/۶۴۹؛ جمعی از پژوهشگران، بی‌تا: ۲/۲۵۴).

۳. روش استنطاقی در اصطلاح

به نطق در آوردن کلام خدا که خود کتابی صامت است، استنطاق نامیده می‌شود و در این معنا اختلاف نیست؛ اما مفسران در معنای اصطلاحی استنطاق اختلاف نظر دارند، که به بیان آن می‌پردازیم:

۱. استنطاق معادل، روش قرآن به قرآن (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۶۵؛ ۱۶۶/۷).

۲. استنطاق معادل، تأویل و معنای باطنی (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

۳. استنطاق معادل، استنباط (معرفت، ۱۳۸۷: ۱/۱۶).

۴. استنطاق معادل، تفسیر موضوعی

در این روش حد و حدود مسئله و تبیین موضوع از خارج قرآن آغاز می‌شود و موضوعات از متن جامعه گرفته می‌شود، یعنی نیازها، مشکلات، تجربیات بشری، علوم انسانی و مکاتب بشری را به صورت پرسش به محضر قرآن عرضه کنیم و با جمع آوری آیات مرتبط و تفسیر موضوعی آن‌ها پاسخ خود را دریافت نماییم، که به آن «روش استنتاجی» یا «برون قرآنی» گفته می‌شود. در روش استنتاجی، هدف به دست آوردن دیدگاه قرآن درباره یک موضوع است، هرچند مکاتب بشری و رشته‌های علوم انسانی نیز به آن موضوع پاسخ کامل داده باشند یا نه، جهت پاسخ‌گویی به قرآن عرضه می‌شود (حکیم، ۱۴۱۷: ۳۵۷؛ صدر، ۱۴۰۱: ۲۸) و در این روش برای پاسخ‌گرفتن از قرآن، نظریه‌ی جامع مکاتب بشری و پاسخ آن‌ها با نظریه تفسیری، مورد مطالعه‌ی تطبیقی قرار گرفته و راه‌حل مکاتب بشری و نواقص آن بررسی می‌شود و راه‌حل قرآن در مورد نواقص مکاتب بشری داده می‌شود؛ شهید صدر این نوع تفسیر را «تفسیر استنتاجی» نامیده است و بنابر دیدگاه برخی از مفسرین، پایه‌گذار این روش، شهید صدر است (حکیم، ۱۴۲۵: ۹۴؛ صدرالدینی، ۱۳۶۴: ۲/۸۶).

۲-۴. روش استخراجی سوره محور

۱. استخراج در لغت: استخراج از حروف اصلی «خرج» به معنایی خروج گرفته شده است و نقیض آن دخول می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴/۱۵۸) به باب استفعال رفته و طلب و درخواست خروج را می‌رساند و مترادف و هم معنای کلمه استنباط می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۳۸۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۷۸۸) استنباط از ریشه «نبط» است و آن اولین آبی است که در چاه ظاهر می‌شود، پس استنباط به معنی استخراج است. به هر چیزی که استخراج شده،

- در برابر چشم یا معرفت (عقل) قرار بگیرد، «مستنبط» گویند (فرقانی، حیدری، بی‌تا: ۱/۶۲).
۲. استخراج در اصطلاح: برخی از پژوهشگران به مطالعه و تبیین، قرآن به لحاظ مضمونی، ساختاری، انسجام و یکپارچگی آن پرداخته‌اند. این روش با عنوان وحدت موضوعی سوره محور و غرض سوره در کتب مختلف بیان شده است و بر اساس آن تفاسیر متعددی تألیف شده است (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ش ۵۱ و ۵۲/۶۱-۷۰).
- در این روش، موضوع از متن قرآن گرفته می‌شود و پاسخ موضوع مورد بحث نیز از قرآن گرفته می‌شود به دلیل آن که موضوع از درون قرآن و پاسخ نیز از درون قرآن استخراج شده است، آن را «تفسیر استخراجی» نامیده‌اند (همان).
- در این روش مفسر بر کشف موضوعی که گمان می‌کند مقصد و محور اصلی سوره است تمرکز دارد و مفسر سعی می‌کند همه‌ی آیات سوره را بر محور موضوع تعیین شده تفسیر نماید. این روش در دیدگاه مفسران با عنوان‌های مختلف بیان شده است:
۱. مقاصد و اهداف و بیانی جامع برای یکی از اهداف الهی بازگشت دارد (علامه طباطبایی) علامه در آغاز تفسیر بسیاری از سوره‌ها، از غرض سوره، سخن به میان آورده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۵-۶).
- وی گاهی عبارت «غایت واحد» را به کار برده است که آن امری جامع‌تر از غرض را دربردارد (همان، ۱/۴۳).
۲. هدف یا اهداف خاص هر سوره که جامع میان آیات هر سوره است (معرفت، ۱۳۷۸: ۴۰۶).
۳. «اصلی و اصیل» و تعبیر مانند آن را آیت‌الله جوادی آملی در مورد موضوع سوره بقره به کار برده‌اند و در جایی دیگر تعبیر «محوری» (جوادی آملی، بی‌تا: ۶/۴۲۴). و در جایی دیگر تعبیر «برجسته‌ترین» (همان: ۷/۲۸۸). را به کار برده‌اند.
۴. مصطفی مسلم در مورد روش استخراجی سوره محور بیان می‌کند: در این نوع از تفسیر هدف بنیادین در یک سوره بحث می‌شود. این هدف محور بنیادین تفسیر موضوعی در سوره است (مصطفی مسلم، ۱۴۲۱: ۲۹).

۵. فرایند الگوی تفسیر موضوعی استنتاجی قرآن محور

مرحله اول: نیازشناسی و تعیین موضوع و ابعاد آن

مسائل و مشکلاتی که در هر مرحله ذهن دینداران را به خود مشغول می‌کند، با مسائل و مشکلات مرحله دیگر تفاوت دارد. لذا ترکیب معارف دینی باید تحرک و سیلان لازم را داشته باشد، تا بتواند متناسب با نیازهای فکری هر مرحله‌ای، اولویت‌های خود را تغییر دهد. به دیگر سخن، معیار اولویت در میان معارف دینی، مقدار نیازی است که جامعه به هر یک از آن معارف دارد (جمعی از مؤلفان، بی تا: ۱۹۶/۲).

از نظر شهید صدر، حرکت مفسر در تفسیر موضوعی همیشه از درون قرآن نیست، بلکه بیشتر از متن جامعه و عینیت زندگی است و در استنتاج، نقطه‌ی شروع مفسر، خارج از قرآن است و سپس با سؤال و دغدغه‌ی دردمندانه وارد قرآن می‌شود، می‌گردد، می‌نگرد، می‌کاود، تلاش می‌کند و با کند و کاو جواب را می‌یابد (صدر، ۱۴۰۱: ۱۹).

معارف دین باید برای نیازهای فکری جامعه پاسخ داشته باشد. همان‌گونه که جامعه انسانی در مراحل تحول و تطور خود، حالات مختلف و نیازهای گوناگونی دارد؛ تشخیص نیازهای جامعه برای تعیین موضوع ضروری است و مفسر با توجه به نیازهای جامعه به دنبال کشف موضوع می‌رود و در نتیجه نیازهای جامعه مقدمه‌ای برای به دست آوردن موضوع می‌شود.

الف) شناسایی دقیق موضوعات

شهید صدر بیان می‌کند:

رابطه موضوع و حکم، به سان علاقه بین سبب و مسبب است، مثل آتش و حرارت. همان‌گونه که مسبب بنیادش بر سبب است، حکم نیز، بر موضوعش مبتنی است؛ چه علیت حکم و استمرار و انقضای آن منوط به موضوع است. «بر این اساس، رتبه موضوع پیش‌تر از حکم است. فقیه تا موضوع را با تمام شرایط و خصوصیات

نشناسد، مقومات موضوع و آنچه را در ساختار آن مؤثر است درنیابد، چه بسا حکمی صادر کند که هم‌خوان با آن موضوع نباشد (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ۱/ ۱۲). امروزه در عرصه پزشکی، روابط دیپلماتیک، در سطح بین‌المللی، میدان‌های رسانه‌ای و اطلاعاتی، حوزه اقتصادی، سیستم پولی و ... مقوله‌های پیچیده‌ای ظهور کرده است که شناخت آن‌ها، نیاز به سال‌ها مطالعه و تخصص دارد (همان: ۱/ ۱۲).

شناسایی دقیق موضوع در خصوص تفسیر موضوعی نیز باید انجام شود، زیرا در صورت عدم شناسایی دقیق موضوع همان‌گونه که فقیه ممکن است حکمی را که با موضوع سازگاری ندارد، بدهد. مفسر نیز با همان مشکل روبرو است و ممکن است استنتاجی را انجام دهد که با موضوع سازگاری ندارد، مفسر باید برای رفع نیازهای جامعه همان راهی را که فقیه رفته بی‌مایند و در تفسیر موضوعی نیز اقدام به کشف و شناسایی دقیق موضوع‌ها با توجه به نیازهای جامعه داشته باشد.

ب) مطالعه‌ی تطبیقی نظریات برای شناسایی موضوع

شهید صدر بر اهمیت اثر حرکت از نقطه‌ی موضوع خارجی و سیراب شدن از تجارب بشری در این روش تأکید می‌کند؛ در نتیجه مفسر برای کشف موضوع باید بکوشد، مشکلات، راه‌حل‌های تجارب اندیشه بشری پیرامون این موضوع خارجی، پرسش‌ها، نقاط خلأ و تاریخ تطبیق آن را مطالعه کند تا به شناسایی درست از موضوع دست‌یابد؛ و تمام این‌ها برای آن است که در ذهنیتش نقطه جهش و آغاز شکل گیرد تا پس از آن، از نگره‌ای اسلامی و براساس احکام و مفاهیم قرآن و سنت، به مطالعه و ارزیابی همه جانبه موضوعی که در نظر دارد، پردازد (صدر، ۱۴۰۱: ۲۲-۲۴).

در دیدگاه شهید صدر با مطالعه‌ی تجارب و واقعیت‌های بشری، موضوع مورد بحث به طور دقیق شناسایی می‌شود، پس در این مرحله هدف از مطالعه تطبیقی شناسایی دقیق موضوع است که این مرحله نوعی مطالعه برای آشنایی با موضوع می‌باشد تا در مراحل بعدی

ارزیابی‌ها از موضوع دقیق باشد، زیرا در صورت عدم شناسایی و ارزیابی دقیق موضوع در این مرحله، مفسر را با مشکل اساسی در مراحل بعدی مواجه می‌کند.

مرحله دوم: بررسی تطبیقی ابعاد موضوع و طرح پرسش‌های اصلی

برای بررسی ابعاد موضوع می‌توان سؤالاتی که سزاوار و شایسته جواب‌دادن از میان نص قرآنی است مشخص و معین کرد. همان‌گونه که در بیان ویژگی‌های تفسیر موضوعی گذشت، مفسر در تفسیر موضوعی پرسشگر است و تلاش می‌کند پاسخ پرسش‌هایی را که مورد نظر خود را بیان و بر قرآن عرضه کند. استخراج پرسش‌های اصلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و پس از آن، پرسش‌های مزبور به آیات قرآنی عرضه شده و پاسخ آنها یافت می‌گردد.

مرحله سوم: مطالعه و بررسی نظریات مکاتب بشری در موضوع

آیا مطالعه و بررسی نظریات مکاتب بشری و کالبد شکافی مکاتب بشری برای کشف نظریه‌های پایه‌ای و بنیادی مکاتب بشری لازم است؟ آیا پس کشف نظریه‌های بنیادی و اساسی بررسی تطبیقی نظریات مکاتب بشری لازم است؟ آیا شهید صدر در نهایت از این جمع‌بندی به کشف نظریه‌ی جامع که در بردارنده نظرات همه مکاتب است رسیده است؟ نقطه قابل توجه این است، اگر موضوع در مکاتب بشری مطرح نشده باشد مفسر به دنبال نظریه‌ی اسلام در مورد آن موضوع می‌رود. اگر این موضوع در مکاتب بشری مطرح شده باشد مفسر به مطالعه نظریات مکاتب بشری در موضوع به گونه‌ای که بیان می‌شود، می‌پردازد. نقطه قابل توجه این است، اگر موضوع در مکاتب بشری مطرح نشده باشد مفسر به دنبال نظریه‌ی اسلام در مورد آن موضوع می‌رود. اگر این موضوع در مکاتب بشری مطرح شده باشد مفسر به مطالعه نظریات مکاتب بشری در موضوع به گونه‌ای که بیان می‌شود، می‌پردازد.

الف) کشف نظریات پایه‌ای، اساسی و زیربنایی

در این مرحله باید بررسی شود نظریاتی که از سوی مکاتب بشری مطرح شده‌اند، آیا پایه‌ای

و اساسی و زیربنایی اند یا اینکه نظریات روبنایی و سطحی اند؟ در صورتی که نظریات پایه ای، اساسی و بنیادی بودند، و اساسی و زیربنایی بودن نظریات واضح شد، به بررسی آنها می پردازیم؛ اما در صورتی که این نظریات پایه ای و اساسی نباشد و نظریات روبنایی باشند، ضروری است، به دنبال کشف پایه و اساس این نظریه ها باشیم و نظریات پایه ای که این نظریه ی روبنایی و سطحی بر اساس آن شکل گرفته است را به دست آوریم.

ب) بررسی تطبیقی نظریات مکاتب بشری

پس از شناسایی نظریات پایه ای و زیربنایی در این مرحله به بررسی و مطالعه ی نظریه های مطرح شده در موضوع مورد نظر پرداخته و با این بحث تمام نظریات مطرح شده در مورد موضوع را به دست آورده و به مطالعه دقیق آنها می پردازیم. با بررسی تطبیقی اشتراکات و اختلافات نظریات مکاتب مختلف بشری نسبت به یک دیگر به دست می آید.

ج) استخراج نظریه ی جامع مکاتب بشری

در مرحله قبل اگر به جوانب مختلف نظریات و نیز تفاوتشان ما بین خودشان توجه شده باشد، در این مرحله می توان، سخن جامعی را بیان نمود که در بردارنده عصاره ی همه ی نظریات باشد و در صورتی که نظریات قابل جمع نباشند، علت یابی می شوند؛ با این کار در نهایت می توان نظریه جامع را مطرح و بیان کرد.

مرحله چهارم: مطالعه و بررسی نظریه تفسیری در مورد موضوع

الف) گرد آوری آیه ها با توجه به پرسش های مطرح

از آن جا که تا این مرحله ابعاد، همه ی سؤال های مربوط به موضوع مطرح و روشن شده اند و جواب های بشری آن نیز داده شده، می توان به سراغ قرآن رفت و آیات مربوط با هر سؤال را جمع آوری کرد. با این جمع آوری، آیات مختلف با هم یا در برخی موارد، جزئی از یک آیه و

یا چند آیه دیگر با هم در ذیل یک سؤال قرار می‌گیرند.

ب) بحث و بررسی آیه‌های مربوط به موضوع

آیات قرآنی مرتبط با موضوع که جمع آوری شده‌اند با بررسی دقیق‌تر در گروه‌های مختلف دسته‌بندی می‌شوند و مدلول هر گروه از آن‌ها بیرون کشیده می‌شود. در این مرحله، محقق تفسیر استنباطی قرآن محور با توجه به سؤالات، به گردآوری آیات می‌پردازد که در راستای کشف نظریه به وی کمک کند. این مرحله، مشکل‌ترین قسمت کار است و نیاز به جدیت و تلاش بسیار دارد؛ زیرا آیه‌های با موضوعات مختلف در قرآن وجود دارد و مفسر بدون دسته‌بندی منطقی نمی‌تواند به جداسازی آیات که دارای موضوعات مختلف‌اند، بپردازد، به همین علت مفسر بعد از جمع آوری آیات، به تقسیم و دسته‌بندی صحیح آیات و پس از آن آیات را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

ج) استخراج نظریه‌ی تفسیری قرآنی

شهید صدر معتقد است که استحصال و استخراج نظریه اسلامی، امری است ضروری است، و با توجه به تعریفی که شهید صدر از تفسیر موضوعی داشتند، هدف روش موضوعی در تفسیر قرآن، تعیین موضع نظری قرآن و رسالت اسلامی، نسبت به یکی از موضوعات زندگی، هستی و انسان است و در صورت عدم نظریه پردازی نمی‌توان به آن تفسیر موضوعی اطلاق کرد بلکه صرف جمع آوری آیات می‌باشد در نتیجه از دیدگاه شهید صدر استخراج نظریه تفسیری امری لازم و ضروری و از پایه‌های اساسی روش استنباطی قرآن محور است.

در نتیجه پس از بررسی آیات و روایات مفسر به استخراج نظریه تفسیری می‌پردازد؛ اما این نظریه اسلامی چگونه به دست می‌آید؟

شهید صدر در بحث اقتصاد می‌گوید: هنگامی که از احکام بحث می‌کنیم و آن‌ها را به عنوان یکی از اجزاء کشف مذهب اقتصادی عرضه می‌کنیم؛ عرضه مفردات فقط برای کشف مذهب اقتصادی کافی نیست، همانا بسیاری از بحث‌های اسلامی به عرضه مفردات اکتفا

کرده است، بلکه بر ما لازم است در عملیات اکتشاف بین این اجزاء ترکیب ایجاد کنیم؛ یعنی از هر کدام از مفردات را به عنوان جزء‌ای از کل مورد بحث قرار دهیم، تا آن که از این طریق بتوانیم قاعده عام را که در لابه لای کل است، کشف کنیم (محمد باقر صدر، ۱۴۰۲ق، ۳/۴۳۸). شهید صدر برای استخراج نظریه از درون نصوص اسلامی راهی پیشنهاد می‌دهد، آن که مدلول‌های جزئی احکام و آیات را پشت سر قرار دهیم و از تراکم و پراکندگی میان این مدلول‌ها رهایی یابیم و تمام مجموعه آیات قرآنی یا احکام تشریحی را که در موضوعی واحد مشترک‌اند، به گونه‌ای فراگیر مطالعه کنیم و میان آن مدلول‌ها نظم، نسق و انسجامی پدید آوریم.

شهید صدر درباره این روش نظریه پردازی می‌گوید:

اعمال این روش نیازمند آگاهی افزون‌تر به احکام و مفاهیم اسلامی است که گاه در موضوعی واحد، پراکنده به نظر می‌رسند؛ در حالی که اگر با نگاهی عمیق، آگاهانه و فراگیر به مبانی، خاستگاه‌ها و اهداف آن نگاه شود، منسجم و یکپارچه به نظر خواهند رسید؛ از این رو اجتهاد در عرصه نظریه پردازی فقهی، نیازمند تلاش‌ها و ابداعات بیشتر است، زیرا تنها مسئله گردآوری نصوص در حوزه‌ای معین در میان نیست، بلکه اجتهاد در نظریه پردازی، اجتهادی پیچیده است که در آن باید شخصیت فقیه و شخصیت مکتشف با هم جمع شوند (صدر، ۱۴۰۱: ۲۷).

در نتیجه مفسر نیز باید راهی فقیه را بی‌مایند و به اجتهاد و نظریه پردازی در تفسیر دست یابد. شهید صدر کتاب المدرسه القرآنیه، مجموعه‌ای از آیاتی را که به توضیح موضوع واحدی می‌پردازند، انتخاب کرده و سعی کرده است، پس از اظهار مدلول تفصیلی و جزئی این آیات، وجه ارتباط میان این مدلول‌های جزئی را تبیین و آن را در نظم و نسق واحد عرضه کند که این نظم و نسق واحد، همه خلاها را می‌پوشاند و همه‌ی پاسخ‌هایی را که برای دستیابی به نظریه‌ی فراگیر قرآنی در موضوع سنت‌های تاریخ، بدان نیاز است را عرضه می‌کند.

مرحله پنجم: مطالعه تطبیقی نظریه جامع مکاتب بشری و نظریه تفسیری

الف) بیان نواقص و نقطه‌های خلاء مکاتب بشری

کسی که روش موضوعی را در پیش می‌گیرد، از موضوع خارجی آغاز می‌کند و پس از آن به فقه روی می‌آورد. اگر آن موضوع خارجی، موضوعی اقتصادی باشد و اسلام ترجیح داده باشد که در این حوزه حیاتی از آن راهنمایی خواسته شود، باید نخست به ماهیت این حوزه احاطه و تسلط داشته و با ابعاد مختلف آن و مشکلاتی که تجربه‌ی بشری در این حوزه، بر سر راه خود دیده و راه‌حل‌هایی که برای آن مشکلات عرضه کرده و نیز نقاط خلاء آشنایی داشته باشد تا این داشته‌ها و دریافت‌ها به فقه اسلامی و در اعماق آن غور کرده، نظریات اسلام را که جوانب این موضوع را بررسی کرده، کشف کند و ابهامی را که پیرامون موضع دین نسبت به آن تنیده شده، بر طرف سازد (صدر، ۱۴۲۴: ۳/۴۳۸).

ب) راهکار اسلام به نواقص مکاتب بشری

مفسر در پرتو مجموعه تجاربی که از بررسی‌ها و کاوش‌های بشری‌اش اندوخته است می‌کوشد تا نظر قرآن را درباره آن موضوع به دست آورد و با مقایسه متن قرآن با فراگرفته‌هایش از افکار و بینش‌هائی که به هم رسانده، نظر قرآن را درک کند (همان: ۲۶).

شهید صدر بیان می‌کند: دانشمند اسلامی باید نصوص دینی را بررسی و تحلیل کند تا موضع اسلام را سلباً و ایجاباً به دست آورد تا از این رهگذر، به راهکار اسلامی در قبال مباحثی که تجارب بشری برای آن راهکار یافته است، دست یابد (همان: ۳۷).

می‌توان گفت: از این رو نتایج تفسیر موضوعی، همیشه به اموری به هم مربوط و در جریان تجربه انسان، تعلق دارد. چرا که این نتایج نشان دهنده علائم و ممیزاتی است که قرآن برای حدود اندیشه انسان در هر یک از موضوعات زندگی قرار داده است؛ (همان، ص ۲۹-۴۵) در نتیجه مفسر با مطالعه‌ی تطبیقی میان نظریه جامع مکاتب بشری و نظریه‌ی تفسیری ابتدا نواقص و نقطه‌های خلاء مکاتب بشری را کشف می‌کند و پس از آن راهکار اسلام به نواقص بشری را بیان می‌کند.

شهید صدر در این مرحله به بیان نواص و نقطه‌ها خلاء دیدگاه‌های مکاتب بشری و بیان راهکار اسلام می‌پردازد و بر این روش تأکید دارد و در دو بحث «سنت‌های تاریخی در قرآن» و «نقش وحدت و تعدد زمان ائمه در تاریخ» آن را با موفقیت به کار بست (جمعی از مؤلفان، بی تا: ۲۴/۲۴).

۶. فرایند الگوی تفسیر موضوعی استخراجی سوره محور

در مورد روش استخراجی سوره محور می‌توان گفت: مصطفی مسلم تفسیر موضوعی را بر دوگونه دانسته است:

گونه اول: دانشی است که موضوعات را بر پایه و اساس اهداف و مقاصد قرآنی از خلال آیات یک سوره یا بیشتر بررسی می‌کند» (مسلم، ۱۴۲۱: ۱۵).

گونه دوم:

محقق موضوعی را در نظر می‌گیرد و به شیوه‌های متنوع بیان درباره‌ی آن را بررسی می‌کند این بررسی در خلال عرضه به قرآن، تجزیه و تحلیل، نقض و ابرام و یادداشت برداری انجام می‌شود به این ترتیب موضوع در سوره‌های قرآن دنبال و آیات مشتمل بر موضوع استخراج می‌شود. آنگاه عناصر آن با یکدیگر هماهنگ و تمهیداتی برای دستیابی به دیدگاه قرآن کریم درباره‌ی آن فراهم می‌شود. کوشش بر این است که یافته‌ها به ابواب و فصول و دسته‌ای از مباحث تقسیم می‌شود. محقق در آنچه بدان دست یافته و از آن سخن می‌گوید به قرآن استدلال می‌کند در همین حال به ارتباط همه‌ی یافته‌ها به واقعیت زندگی مردم و مشکلات آن‌ها توجه می‌کند و می‌کوشد آن‌ها را در پرتو داده‌های قرآنی حل کند (همان: ۲۷).

مصطفی مسلم قائل به روش تفسیر موضوعی استخراجی در خلال آیات و همچنین در سوره‌ها و کل قرآن شده است و این روش را با عنوان روش استخراجی سوره محور مطرح کرده است، که ابتدا به بیان آن و در ادامه به بیان مختصر الگو تفسیر موضوعی در خلال آیات می‌پردازیم.

مرحله اول: شناسایی و مشخص ساختن هدف اساسی سوره

الف) ارائه مقدمه و پیش گفتار برای شناسایی موضوع و اهداف سوره

۱. نام سوره و تعداد آیات

تعیین نام یا نام‌های سوره و جستجو وجه تسمیه آن و مشخص کردن اسامی توقیفی و اجتهادی در این مرحله لازم است؛ زیرا بعضی از نام‌های سوره در زمان پیامبر ﷺ و بر زبان ایشان جاری شده است که آن‌ها توقیفی و بعضی بر زبان اصحاب و در دوران بعد رایج شده که اجتهادی است (مصطفی مسلم، ۱۴۲۱: ۴۱).

۲. ویژگی‌های سوره و فضیلت آن

در این قسمت به بیان برخی از احادیث صحیح در مورد ویژگی‌ها و فضایل سوره تصریح کرده‌اند؛ پرداخته می‌شود (همان) با توجه به ویژگی‌های سوره مفسر به دنبال به‌دست آوردن موضوعات یک سوره می‌باشد.

۳. زمان و سبب نزول

چه بسا تمام آیات یک سوره باهم نازل شده باشد و یک سبب نزول داشته باشد و چه بسا یک سوره به مناسبت‌های مختلف بخش بخش نازل شده باشد.

در بررسی عمیق، می‌یابیم مطالب عمومی و کلی سوره یا محوری که سوره به گرد آن می‌چرخد با این بخش‌ها یا آیات در ساختاری معین مرتبط است؛ به همین علت شناخت اسباب نزول در آشنایی با این ساختار سوره محور، کمک می‌کند (همان)

مرحله دوم: قطعه بندی سوره‌های طولانی

پس از بیان موضوعات و شناسایی آن‌ها مفسر به قطعه‌بندی آیات در سوره‌ها می‌پردازد. مخصوصاً سوره‌های طولانی که در آن به‌دست آوردن موضوعات و اهداف مشکل می‌باشد و

مفسر در این قسمت سعی می‌کند آیات را با توجه به نزول و سیاق قطعه‌بندی نماید (همان).

مرحله سوم: بیان ربط میان قطعه‌ها در سوره‌ی واحد

مفسر پس از قطعه‌بندی آیات به بیان تناسب معنایی میان قطعه‌ها می‌پردازد، در این قسمت ربط میان قطعه‌ها با قطعه‌های ما قبل و ما بعد در سوره‌ی واحد مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفسر سعی می‌کند به دسته‌بندی قطعه‌ها و قرار دادن مجموعه‌ای از آیات در یک قطعه به بررسی تناسب معنایی میان قطعه‌های یک سوره بپردازد (همان)

۷. تحلیل و بررسی تفاوت الگوی استنطاقی شهید صدر و استخراجی مصطفی مسلم در تفسیر موضوعی

۷-۱. تفاوت در انتخاب موضوع در الگوی استنطاقی شهید صدر و استخراجی مصطفی مسلم

این دو الگو از لحاظ انتخاب موضوع از درون قرآن یا از واقعیت‌های خارجی با هم متفاوتند. ۱. در الگوی استنطاقی، موضوع برون قرآنی است.

در الگوی استنطاقی قرآن محور، موضوع از بیرون قرآن گرفته می‌شود و به اصطلاح دیگر موضوع برون قرآنی است اما پاسخ آن از درون قرآن گرفته می‌شود. ۲. در الگوی استخراجی، موضوع درون قرآنی است.

در روش استخراجی مصطفی مسلم هم موضوع و هم پاسخ از درون قرآن گرفته می‌شود.

۷-۲. تفاوت در وسعت و محدودیت قلمرو تفسیر دو الگوی استنطاقی شهید صدر و استخراجی سوره محور مصطفی مسلم

شهید صدر ابتدا به شناسایی دقیق موضوع و ابعاد آن و به طرح سؤالات در موضوع پرداخته و در ادامه با کالبد شکافی نظریات مکاتب به کشف نظریه جامع مکاتب بشری دست‌یافته و آن

را با نظریه تفسیری، مورد مطالعه تطبیقی، قرار داده است و راه حل مکاتب و راه حل اسلام را در مورد موضوع بیان کرده است و به استخراج نظریه تفسیری دست یافته است. در نتیجه دایره روش استنطاقی قرآن محور بسیار وسیع است، زیرا علاوه بر استخراج نظریه تفسیری به استخراج نظریه جامع مکاتب بشری می پردازد و راه حل مکاتب بشری و راه حل اسلام را بیان می کند و نواقص نظریه های بشری را مطرح کرده و برای نواقص آن، نظریه تفسیری را مطرح می کند؛ برخلاف الگوی تفسیر موضوعی سوره محور که دایره آن محدود است؛ در آن تنها به بررسی اهداف و موضوعات محوری در یک سوره پرداخته می شود و مفسر آیات یک سوره را به ترتیب مورد بررسی قرار می دهد و هدف اصلی مفسر شناسایی موضوعات اساسی و ایجاد ربط میان قطعه های مختلف یک سوره می باشد که این الگو همانند روش تفسیر ترتیبی قرآن است که مفسر از ابتدای سوره به تفسیر آیات می پردازد.

۳-۷. تفاوت در تقطیع و عدم تقطیع آیات در الگوی استنطاقی شهید صدر و استخراجی مصطفی مسلم

شهید صدر تفسیر ترتیبی را مکمل تفسیر موضوعی می داند، حل می شود، همچنین شهید صدر آیات را با توجه به سیاق آنها تفسیر کرده است و به فرائن اثر گذار در روند تفسیر موضوعی توجه کرده است.

در روش استخراجی سوره محور آیات قرآن تقطیع نمی شود، بلکه قطعه بندی شده و موضوع یا موضوع های اصلی و محوری برای یک سوره مطرح می شود. این روش مانند روش ترتیبی موضوعی می باشد، که در آن مفسر سعی می کند با توجه به ترتیب آیات سور در قرآن به تفسیر قرآن پردازد و موضوعات محوری هر سوره را مشخص کند. در این صورت، هدف این روش استخراج موضوعات و اهداف محوری سوره ها می باشد، برخلاف گونه دوم تفسیر موضوعی مصطفی مسلم، که در آن موضوع در خلال آیات قرآن مطرح شده است که مشابه تفسیر موضوعی یک موضوع قرآنی می باشد.

در نتیجه ایجاد وحدت موضوعی سوره محور به مفسر در کشف ارتباط میان سوره و موضوعات یک سوره کمک می‌کند، اما این روش نمی‌تواند روش تفسیر موضوعی باشد؛ بلکه تفسیر ترتیبی موضوعی سوره‌ها با توجه به اهداف و اغراض یک سوره می‌باشد.

۴-۷. تفاوت در ضرورت یا عدم ضرورت نظریه‌پردازی

همچنین در روش استنطاقی قرآن محور علاوه بر به دست آوردن نظریه تفسیری قرآن باید در نهایت راه‌حل اسلام برای آن موضوع استنطاق شود. اما مصطفی مسلم در روش استخراجی سوره محور خود، هدف اصلی به دست آوردن موضوع و محورهای اصلی در یک سوره می‌باشد و نظریه پردازی در هر دو گونه آن مورد نظر نیست.

۸. میزان کارآمدی الگوی استنطاقی شهید صدر و استخراجی مصطفی مسلم در تفسیر موضوعی

در این گفتار با بیان جنبه‌های مثبت و منفی الگوی استنطاقی قرآن محور و استخراجی سوره محور می‌توان به میزان کارآمدی هر کدام از این دو الگو دست یافت. زیرا هنگامی که نقاط مثبت و منفی هر کدام از این دو الگو بیان شود، خواننده می‌تواند با توجه به نقاط قوت و ضعف به میزان کارایی هر کدام از این دو الگو دست یابد.

۸-۱. میزان کار آیی روش استنطاقی شهید صدر

در این قسمت به بیان جنبه‌های مثبت و منفی روش استنطاقی می‌پردازیم؛ زیرا تا زمانی که نقطه قوت و ضعف یک الگو مبهم باشد نمی‌توان در مورد میزان کارآمدی آن الگو نظری را ارائه کرد.

۸-۱-۱. جنبه‌های مثبت

روش استنطاقی قرآن محور دارای جنبه‌های مثبت است که به بیان آنها می‌پردازیم.

۱. توجه و عنایت به نظریه پردازی در تفسیر موضوعی

شهید صدر با تعریف جدید از تفسیر و نگاهی نو به آن، به تنظیم روشی در مباحث قرآنی دست زد که بارزترین هدفش، رسیدن به نظریه‌های قرآنی در حوزه‌های مختلف است. وی در برخورد با نظریات مکاتب بشری، تفسیر موضوعی نظریه محور را امری ضروری می‌داند و از این جهت است که تفسیر جزئی‌نگر را لازم ولی کافی نمی‌شمارد. پس می‌توان دیدگاه شهید صدر را دیدگاه اجتهادی موضوع محور نظریه‌ای دانست که امروز نیز بدان احتیاج بسیار زیادی احساس می‌شود. هدف از اجرای این روش، آن‌گونه که شهید صدر در کتاب تفسیر موضوعی قرآن به آن تصریح می‌کند: رسیدن به نظریه‌ی قرآنی نبوت، نظریه قرآنی نظام اقتصادی، نظریه‌ی قرآنی در سنت‌های تاریخ و آسمان‌ها و زمین و... است (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۶).

نظریه پردازی در مباحث تفسیر موضوعی و نیز در مباحث اقتصادی شهید صدر کاملاً روشن است؛ وی این روش را نه تنها در باب اقتصاد، بلکه قصد داشت این روش را در تمام شاخه‌های معرفت (همان: ۲۵/۲۴). مانند تفسیر، تاریخ، سیره و... پیاده کند.

می‌توان گفت: شهید صدر تنها دانشمندی است که روش تفسیر ترتیبی‌ای که خودش آن را «تفسیر جزئی‌نگر» می‌خواند را مستقیماً مورد توجه قرار داد؛ نقد کرد و روش جدید و هماهنگ با نیازهای عصر، مطرح کرد و به ارائه روش تفسیری موضوعی اجتهادی منتج به نظریه پرداخته و نمونه عملی آن را در مبحث سنت‌های تاریخی پیاده نمود.

۲. بیرون نگری (انتخاب موضوعات از متن جامعه)

واقع‌نگری در کتاب «المدرسه القرآنیه» شهید صدر مشاهده می‌شود، وی در درس‌های تفسیر تأکید زیادی بر این نکته داشتند که برای رسیدن به نص قرآن و فهم آن باید حرکت را از متن واقع آغاز کرد و در این مورد می‌گوید: «تفسیر از متن واقع (واقعیات خارجی و اجتماعی) شروع شده و به قرآن ختم می‌شود نه این که از قرآن شروع و به قرآن ختم شود؛ چرا که قرآن منبع ماندگاری است که در پرتو آن، جهت‌گیری‌های الهی انسان با واقعیت‌ها پیوند می‌خورد.» (صدر، ۱۴۰۱: ۲۶).

وی نمونه‌ی جالبی از اجرای این روش واقع بینانه را در مورد تاریخ زندگی ائمه علیهم‌السلام به کار بست و به تاریخ زندگانی هرامام براساس نگاه کلی و مجموعه‌ای پرداخت نه جزئی‌نگر؛ یعنی به ائمه علیهم‌السلام به عنوان یک مجموعه‌ی مرتبط با هم نگاه کرد و تمام این مجموعه را با هم تحقیق و بررسی کرد و سیمای کلی و اهداف مشترک و درون مایه‌ی اصیل آن را کشف و پیوستگی اجزای این مجموعه و در نتیجه نقش واحد همه‌ی ائمه در رشد حیات اسلامی را به دست آورد (صدر، امامان اهل بیت علیهم‌السلام مرزبانان حریم اسلام).

۳. شایسته‌ترین بهره‌برداری از دستاوردهای علوم بشری

شهید صدر با کار خود در زمینه‌ی تفسیر موضوعی، نشان داد که در تفسیر موضوعی از دستاوردهای قطعی و معتبر بشری و همچنین مکاتب بشری می‌توان استفاده کرد و با این کار، نگاه محققان عرصه‌ی علوم مرتبط با قرآن را عوض کرد و روشی نو را در نحوه‌ی پژوهش در مفاهیم کتاب آسمانی ایجاد کرد، به طوری که از راه شالوده‌سازی تفسیر موضوعی قرآن خود، موفق به بازگردانی حیثیت مرکزی قرآن گردید.

تفسیر موضوعی وی، کاری است که به رشته‌های مختلف علمی وابسته بوده و میان رشته‌ی ای بحساب می‌آید، که در آن ملاحظه و اعتنا نمودن به بررسی‌های تطبیقی بین ره‌آوردها و تجربه‌های افراد بشری با اطلاعات و قرآن مورد توجه است.

در مجموع، شهید صدر روش و تعریفی منحصر به فرد ارائه کرده است. با استفاده از بیانات او می‌توان روش تفسیر موضوعی را با ذکر همه قیود توضیحی در این عبارت خلاصه کرد: پژوهش قرآنی مسأله‌محور، جامع، اجتهادی، منتج به نظریه می‌باشد.

۲-۱-۸. جنبه‌های کاستی الگوی استنتاجی

الف) دشوار بودن روش استنتاجی

این روش نیازمند وقت زیاد برای به دست آوردن هریک از مراحل آن می‌باشد، به عنوان نمونه

کالبد شکافی نظریه‌های مکاتب بشری و به دست آوردن نظریه‌ی جامع مکاتب بشری و پرداختن به نظریه‌ی تفسیری و بررسی تطبیقی نظریه تفسیری با نظریه جامع مکاتب بشری می‌باشد در این روش مورد توجه است که استخراج نظریه جامع بشری و نظریه‌ی تفسیری نیز دشوار می‌باشد؛ همچنین فهم درست و عدم دخالت دادن فرضیه‌ها در این روش کاری دشوار است.

ب) نیاز به تکمیل

شهید صدر تصریح می‌کند که می‌کوشد مطالب را به گونه‌ای فشرده بیان کند؛ (صدر، ۱۴۰۱: ۴۶). از این رو به بیان مطالب اصلی بسنده کرده است. اگر او فرصت لازم برای دریافت بازخوردهای شاگردان مستعد و علاقه‌مند را می‌یافت، شاهد توضیح و تکمیل و حتی نوسازی عوامل فرایندی و مؤلفه‌های روش تفسیر موضوعی از سوی او بودیم.

به هر حال وظیفه‌ی ما این است که آن‌چه او بنیان نهاد، توسعه دهیم؛ توسعه و پیشرفتی همراه با تکمیل. کوشش ما این است که سازوکارهای کارآمد روش او را به گونه‌ای مؤثرتر به کار گیریم و با دستیابی به نظریات قرآنی، مسائل عصری جامعه‌ی خود را حل کنیم (بهمنی، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

ج) نیاز به نوسازی

افزون بر توضیح و تکمیل مفاهیمی که در بیانات شهید صدر به کار رفته است، این مفاهیم نیازمند نوسازی است؛ زیرا در روش پژوهش برای مفاهیم یاد شده، اصطلاحاتی خاص به کار برده می‌شود که در ادبیات تحقیق شناخته شده است و پژوهشگران با مفاهیم فنی مربوط، ارتباط بهتری برقرار می‌کنند؛ برای نمونه شهید صدر بر کلان بودن مسئله و بزرگ بودن نتیجه تأکید می‌کند؛ حال آن که امروز برای نشان دادن اهمیت و عظمت یک امر، آن را راهبردی می‌نامند؛ از این رو نیاز به نوسازی در همه‌ی عوامل فرایند و مراحل درونی به چشم می‌خورد (همان: ۱۵۰).

۲-۸. میزان کارآیی الگوی استخراجی سوره محور

برای به دست آوردن میزان کارآمدی، به بیان جنبه‌های مثبت و منفی الگوی استخراجی سوره محور

می‌پردازیم. با شناسایی نکات قوت و ضعف می‌توان در مورد میزان کارایی این الگو سخن گفت.

۸-۲-۱. جنبه‌های مثبت الگوی استخراجی سوره محور

الف) توجه به وحدت موضوعی در قلمرو سوره

با توجه به پذیرش توقیفی بودن ترتیب آیات و ادله‌ای که دلالت بر تناسب معنایی میان آیات دارد، با این روش می‌توان به اهداف محوری سوره‌ها دست یافت و با این روش موضوع‌بندی تمام آیات در سوره‌های انجام می‌شود، که به مفسران در تعیین موضوعات یک سوره کمک می‌کند و مفسر را در روند تفسیر موضوعی جلو می‌برد.

ب) شناسایی موضوعات

این روش می‌تواند، به عنوان روش موضوعی مفسران را در شناسایی موضوعات و ایجاد ارتباط میان آیات یک سوره کمک کند، که بیشتر به تفسیر ترتیبی شباهت دارد، زیرا به تفسیر آیات بر اساس ترتیب مصحف، می‌پردازد و هدف آن بررسی آیات در یک سوره و ارتباط میان بخش‌های مختلف یک سوره می‌باشد.

۸-۲-۲. جنبه‌های کاستی

الف) عدم التزام به نظریه پردازی و حل مشکلات جامعه

در این روش، نظریه پردازی مورد نظر مفسران نمی‌باشد و در سطح نازل نسبت به روش استنتاجی قرآن قرار دارد زیرا، در تفسیر موضوعی استنتاجی، هدف جمع‌آوری آیات از تمام قرآن برای رسیدن به نظریه‌ی اسلامی می‌باشد.

همچنین در این روش عدم التزام به حل مشکلات جامعه است؛ بلکه هدف آن شناسایی و به‌دست آوردن موضوعات اساسی در یک سوره می‌باشد؛ که در این صورت این روش نمی‌تواند ما را در حل مشکلات معرفتی جامعه کمک کند.

ب) عدم پیاده کردن روش به طور کامل در برخی موارد
مراحلی را که مصطفی مسلم برای تفسیر موضوعی یک موضوع در خلال آیات ذکر کرده،
در همه موارد پیاده نکرده است، مثلاً زمانی که بحث خداگرایی و فطرت را بیان کرده، بحثی
از مکی و مدنی بودن ذکر نکرده است.

نتیجه

۱. روش‌های تفسیر موضوعی با توجه به مبانی مورد نظر مفسر، متفاوت است. ولی به
طور کلی در الگوی استنطاقی قرآن محور مهم این است که یک موضوع اعتقادی، خانوادگی،
اجتماعی و... که مورد نیاز انسان است، انتخاب شود و از نظر قرآن درباره آن پرسش شود و
در واقع از قرآن استنطاق شود مفسر فعال باشد نه مانند تفسیر تجزی (ترتیبی) که مفسر منفعل
است و فقط منتظر است قرآن با او سخن بگوید (نه این که او از قرآن پرسش نماید. و استخراجی
(موضوع و حکم هر دو مستخرج از قرآن) است.

۲. در روش مورد نظر شهید صدر همه دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز در همه روش‌های
شناخته شده‌ی تفسیر، به کار گرفته می‌شود.

۳. شهید صدر در الگوی استنطاقی قرآن محور، برای به دست آوردن نظریه‌ی تفسیری مانند
روش‌های دیگر تفسیر موضوعی، موضوع را از درون قرآن نمی‌گیرد؛ بلکه برای به دست آوردن
آن ابتدا به شناسایی نیازهای جامعه می‌پردازد و موضوعات را از متن جامعه می‌گیرد؛ اما
مصطفی مسلم در الگوی استخراجی موضوعات را از درون قرآن می‌گیرد.

۴. شهید صدر پس از مشخص شدن موضوع به موشکافی موضوع برای بررسی ابعاد
موضوع به طرح سؤال، و به بررسی نظریه مکاتب بشری و پس از آن به استخراج نظریه تفسیری
می‌پردازد و در نهایت به مقایسه نظریه جامع مکاتب بشری و نظریه تفسیری می‌پردازد؛ اما
مصطفی مسلم در روش خود به بررسی ابعاد موضوع پرداخته و مباحث را به صورت پراکنده
بحث کرده است و در روش خود نیز فقط در برخی موارد به بیان دیدگاه‌ها پرداخته است، اما

به بیان نظریه‌ی مکاتب بشری و ارائه راه‌کار اسلامی به آن نظریات و کالبد شکافی آن‌ها که یکی از مهم‌ترین مراحل روش استنتاجی است، نپرداخته است.

۵. مصطفی مسلم‌الگوی استخراجی سوره محور را در پیش گرفته است؛ مراحل‌ی را ذکر کرده است که در دیدگاه شهید صدر مطرح نیست، مانند شناسایی و مشخص ساختن هدف اساسی سوره، قطعه بندی سوره‌های طولانی و بیان ربط و تناسب در سوره.

۶. با توجه به تفاوت‌های اساسی میان این دو الگو می‌توان گفت: روش استخراجی سوره محور مقدمه‌ای برای الگوی استنتاجی قرآن محور می‌باشد، زیرا در این روش مفسر از ابتدای سوره تا انتهای به بیان تفسیر سوره می‌پردازد و بیشتر با تفسیر ترتیبی شباهت دارد؛ اما روش استنتاجی یک روش تفسیر موضوعی اجتهادی منتج به نظریه تفسیری است که بیشترین کارآمد را در حل مشکلات جامعه دارد.

این قسمت از روش شهید صدر اگر چه به نظریه‌ی تفسیری دست می‌یابد؛ اما برای یافتن سؤالات مرتبط با موضوع به بررسی نظریه‌های مطرح در مکاتب بشری پرداخته و می‌توان دست آورد مکاتب بشری را قرآن عرضه داشت و نظریه قرآن را درباره آن‌ها استخراج نمود مانند: بانک داری ربوی مطرح در نظام سرمایه داری و... و آن‌ها را کالبد شکافی نمود، اهمیت این امر تا آنجاست که با این کالبد شکافی ابعاد موضوع، سؤال‌ها و جواب مکاتب به این سؤال‌ها مشخص می‌شود و در ادامه، هنگامی که سؤال‌ها و جواب‌های مکاتب مخالف بشری به دست آمد، شهید صدر آن‌ها را تحلیل می‌کند و به جمع‌بندی نهایی می‌رسد؛ لذا در نهایت از این جمع بندی به کشف نظریه‌ی جامع که در بردارندی نظرات همه‌ی مکاتب بشری است، می‌رسد. در مرحله بعد شهید صدر برای کشف نظریه‌ی تفسیری، موضوع مورد بحث را بر قرآن عرصه می‌کند و پاسخ خود را از آن دریافت می‌نماید؛ درحالی که مصطفی مسلم به بررسی ابعاد موضوع و نظریات مکاتب بشری و نظریه‌ی تفسیری در روش تفسیر موضوعی خود نمی‌پردازد.

کتابنامه

-
- آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت - لبنان، ۱۴۱۵ق.
- ابن اثیر، جزری، مبارک بن محمد، **النهاية فی غریب الحدیث و الأثر**، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، اول، بی تا.
- ابن عباد، صاحب، اسماعیل، **المحیط فی اللغة**، بیروت، عالم کتاب، اول، ۱۴۱۴ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، اول، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- الازرقی، احمد زبون، **منهج الفهم القرآن عند الشهيد الصدر**، قم، منشورات المحبین ۱۴۳۲ق.
- بهمنی، سعید، **نظریه پردازی قرآن بنیان** (رهیافت های توسعه نظریه پردازی قرآن بنیان سید محمدباقر صدر)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷.
- جمعی از مؤلفان، **مجله فقه اهل بیت (ع) (عربی)**، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، اول، بی تا.
- جمعی از مؤلفان، **مجله فقه اهل بیت (ع) (فارسی)**، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، اول، بی تا.
- حکیم، سید محمد باقر، **تفسیر سوره حمد**، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۲۵ق.
- _____، **علوم القرآن**، بی جا، مجمع الفکر الاسلامی، سوم، ۱۴۱۷ق.
- حمیری، نشوان بن سعید، **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام**، بیروت، دار الفکر المعاصر، اول، ۱۴۲۰ه ق.
- جوادی آملی، عبدالله، **قرآن در کلام علی (ع)**، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
- _____، **تسنیم**، تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، بی تا.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية**، بیروت، دار العلم للملایین، اول، ۱۴۱۰ق
- خامه گر، محمد، **نظریه هدفمندی سوره ها؛ مبانی و پیشینه**، پژوهش های قرآنی، شماره ۵۱ و ۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیة، اول، ۱۴۱۲ق.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، **منطق تفسیر قرآن (مبانی و قواعد تفسیر)**، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۸۷.
- زبیدی، محمد مرتضی، **شرح تاج العروس من جواهر القاموس**، لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- زمخشری، ابو القاسم محمود بن عمر، **الفائق فی غریب الحدیث**، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۷ق.
- ساروخانی، باقر، **روش های تحقیق در علوم اجتماعی**، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۳.
- سروش، عبدالکریم، **علم شناسی فلسفی (گفتارهایی در فلسفه علوم تجربی)**، نشر نی، ۱۳۷۲.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، **لباب النقول فی اسباب النزول**، دار الکتب العلمیة بیروت - لبنان، بی تا.
- شاگرد، محمد کاظم، **مبانی و روش شناسی تفسیری**، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- صدر، سید محمدباقر، **المدرسة الاسلامیة**، تهران، مکتبة اعتماد الکاظمی، ۱۴۰۱ق.
- _____، **المدرسة القرآنیة**، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید صدر، ۱۴۲۸ق.
- _____، **امامان اهل بیت مرزبانان حریم اسلام**، دکتر رضا ناظمیان و حسام حاج مؤمن، دارالصدر، ۱۳۹۴.
- _____، **اقتصادنا**، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید صدر، ۱۴۲۴ق.
- صدرالدینی، علیرضا، **کلیدهای فهم قرآن**، نور، ۱۳۶۴.
- طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ق.

بررسی تطبیقی تفاوت الگوی استنباطی قرآن محور و استخراجی سوره محور ... □ ۵۷

فرقانی، قدرت‌الله، حیدری، احمد، آشنایی با تفاسیر و روش‌های تفسیری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی، قم - ایران، بی‌تا.

فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، منشورات دار الرضی، اول، بی‌تا.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ششم، ۱۴۱۲ق.
کاظمی، علی اصغر، روش و بینش در سیاست، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، اول، ۱۳۷۴.

مسلم، مصطفی، مباحث فی التفسیر الموضوعی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۲۱ق.
مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز کتاب لترجمة و النشر، اول، ۱۴۰۲.

معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه التمهید، ۱۳۷۸.

_____ تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه التمهید، ۱۳۷۹.

